



جامعه خالی از تفریح و شادی به سوی خشونت می‌رود

هر روز و هر ساعت در کوچه، خیابان، مراکز، سازمان‌ها، خانه‌ها و دیگر اماکن شاهد انواع و اقسام ناراحتی‌های اجتماعی از جمله نزاع‌های خیابانی در جامعه هستیم...

سلامت نیوز: هر روز و هر ساعت در کوچه، خیابان، مراکز، سازمان‌ها، خانه‌ها و دیگر اماکن شاهد انواع و اقسام ناراحتی‌های اجتماعی از جمله نزاع‌های خیابانی در جامعه هستیم، انگار دیگر مردم برای هم حوصله ندارند و در پی این هستند که هر لحظه و هر ساعت به نوعی ناراحتی و دق و دلی‌های خود را بر سر دیگری خالی کنند. در اصل این‌که مردم در جامعه به خشونت‌های گوناگون رو آورده‌اند از کسی پوشیده نیست و حتی در تعریف مفهومی خشونت، آنتونی آربلاستر، اندیشمند می‌گوید:

عمل خشونت آمیز آن چیزی است که دربردارنده صدمه، آسیب یا خسارت به انسان یا غیرانسان یا یک شیء است. اما ویلیام گلاسر یک نظریه پرورشی - آموزشی (پیشگیری) و درمانی معتقد است: خشونت دربردارنده مجموعه عوامل جرم و قربانی است، بنابراین ممکن است به عنوان یک پاسخ جسمانی باشد. در یک تقسیم‌بندی می‌توان خشونت را به انواع زیر تقسیم‌بندی کرد:

خشونت جسمانی: شامل صدمه وارد کردن به فرد از طریق ضربه زدن، بریدن، لگزدن، سیلی زدن و موارد مشابه است. این صدمات می‌تواند در نتیجه استفاده از اشیایی نظیر کمر بند، ترکه چوب و چماق به وجود آید. خشونت عاطفی: خشونت عاطفی یا بدرفتاری روانی به عنوان لفظی که در آن یک فرد بزرگسال به خودپنداره شایستگی‌های اجتماعی کودک حمله می‌کند، تعریف شده است، که در الفاظی مانند اهانت، تهدید یا تحقیر کردن به کار برده می‌شود.

خشونت جنسی: عبارت از این‌که بزرگسالان یا بچه‌های بزرگ‌تر از یک کودک برای ارضای جنسی استفاده کنند که ممکن است همراه با تماس یا بدون تماس باشد. اشکال تماس شامل لمس کردن جنسی یک کودک یا تقاضا کردن از کودک که یک بزرگسال را به طریق جنسی لمس کند. اشکال غیرتماسی نیز شامل در معرض نمایش قراردادن آلات جنسی در مقابل کودک یا عکس‌های مستهجن از کودکان گرفتن و... است. به گفته تراویس هیرشی، نظریه پرداز، بزهکاری زمانی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. به نظر او درجه قبول ارزش‌ها و هنجارهای جامعه از طرف افراد به میزان پیوستگی آنها با نظام اجتماعی بستگی دارد.

از نظارو بین پیوند با نظام اجتماعی و اعتقاد به مشروعیت اخلاقی رابطه وجود دارد و اعتقادات فرد نیز متاثر از پیوند با مدرسه، خانواده و جامعه است. با سست شدن این پیوندها از شدت اعتقادات کاسته می‌شود. هیرشی چهار عنصر را به عنوان عناصر پیونددهنده افراد جامعه به یکدیگر بر شمرده که موجب جلوگیری افراد از ارتکاب به خشونت و جرم می‌شود. این چهار عنصر عبارتند از:

1- دلبستگی یا تعلق خاطره خانواده، دوستان و جامعه

2- تعهد به هدف‌های قراردادی و مرسوم جامعه

3- مشارکت و درگیر بودن در فعالیت روزمره

4- اعتقادات و باورهای فرد به قواعد اخلاق و اجتماعی

والتر رکلس، اندیشمند، معتقد است: همنوایی فرد با گروه و جامعه امری طبیعی و براساس تمایل درونی او نیست و صرفاً از فشار و کنترل گروه سرچشمه می‌گیرد. رکلس در تئوری خود دو نوع عوامل محدودکننده تحت عنوان محدودکننده‌های بیرونی یا کنترل بیرونی و محدودکننده‌های درونی یا کنترل درونی را مطرح کرده است که به عقیده او دلبستگی موجب اجتناب فرد از کجروی خواهد شد. البته او متذکر می‌شود که تعلق و دلبستگی فرد به یک گروه بزهکار نیز احتمال خشونت او را افزایش می‌دهد.

بنابراین با توجه به نظریه‌های کنترل اجتماعی می‌توان گفت که عدم نظارت والدین بر رفتار فرزندان، دلبستگی پایین فرزندان به والدین، پایین بودن کنترل اجتماعی غیررسمی در میزان بروز رفتار خشونت‌آمیز دانش‌آموزان موثر هستند.

بی‌توجهی به تفریحات خشونت به همراه دارد

درباره خشونت‌های خیابانی سوده خدایاری، کارشناس روانشناسی می‌گوید: مشکلات عصبی از داخل خانواده شروع می‌شود، تلاش برای کسب درآمد بیش‌تر باعث خواهد شد پدر فرصت رسیدگی به خانواده را نداشته باشد، در نتیجه اعضای خانواده عکس‌العمل منفی نشان می‌دهند و این تنش داخل خانه به بیرون منتقل می‌شود.

ما به چه میزان خانواده‌هایمان را آموزش داده‌ایم که در برخورد با مشکلات به خود و اعصابشان مسلط باشند؟ چقدر به آنها گفته‌ایم حتماً هفته‌ای یک روز را به تفریح و گردش بپردازند؟ چقدر به آنها آموخته‌ایم که زمانی را برای تخلیه افکار منفی اختصاص دهند! تا چه حد امکانات سرگرمی و برنامه‌های تفریحی و شادی بخش برای جوانان فراهم کرده‌ایم، بی‌اغراق پاسخ همه این سوالات 171#&هیچ‌و؛ است وقتی خانواده نمی‌تواند خود و فرزندان را شاداب و با نشاط کند، طبعاً جامعه نیز عصبی خواهد بود.

خدایاری می‌افزاید: شما وقتی پلیس را می‌بینید می‌ترسید یا احساس آرامش می‌کنید؟ طبیعی است که با روی آوردن ماموران به شما احساس نگرانی می‌کنید، ولی واقعیت این است که نقش پلیس ترساندن مردم نیست، بلکه نوع برخورد، پوشش و روش این نیروی نظم بخش باید آرامش‌دهنده باشد. به نظرم پلیس باید تجدیدنظری درباره نحوه حضور در جامعه انجام دهد.

نقش رسانه‌ها در آرامش بخشی، حیاتی و مهم است. صدا و سیما به هر قیمتی می‌خواهد مردم را بخنداند، این به هر قیمت هم باعث می‌شود نه تنها مردم نخندند، بلکه احساس کنند به شعورشان توهین می‌شود. همین رسانه وقتی قرار است توصیه‌ای انجام دهد این توصیه را دستوری می‌کند، افراد دستور را نمی‌پذیرند، آن را پس می‌زنند و مقابل آن مقاومت می‌کنند عاقبت، باور نکردن توصیه‌ای که باید آرامش بخش باشد فرد را دچار عصبانیت می‌کند و محل تخلیه این فشار عصبی هم صحنه خیابان‌ها است.

به نظر می‌رسد آسیب‌شناسی و یافتن علت به جای برخورد با معلول بهترین راه برای بازگرداندن آرامش به جامعه است، فرافکنی و حکایت 171#&کی بود، کی بود، من نبودم؛ چاره ساز نیست، تا زمانی که همه نهادها خود را مقصر ندانند و برای رفع مشکلات به جای این‌که انگشت اتهام را به سوی دیگران بگیرند، در عملکرد خود تجدیدنظر نکنند، شرایط همین است که می‌بینید.

نزاع خیابانی اصلی‌ترین مشکل جامعه ما

در ادامه محمد صولت نعمتی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی در این خصوص می‌گوید: جامعه ما جامعه درگیری نیست، اما هر فردی به دلیل عدم کسب مهارت‌های لازم زندگی قابلیت درگیری را پیدا می‌کند. هیچ جامعه‌ای نمی‌تواند فاصله و اختلاف طبقاتی را حل کند حتی بسیاری از جوامع هم که ادعا می‌کنند ریشه فاصله طبقاتی را می‌خشکانند در عمل موفق به چنین کاری نشده‌اند چون این ذات آدمی است که برای داشتن زندگی مرفه و بهتر تلاش می‌کند و هر که در این تلاش مسیر بهتری را انتخاب کند طبعاً به شکل بهتری از زندگی خواهد رسید.

اما آنان که در تلاش‌هایشان مسیر درست را انتخاب نکنند به افرادی سرخورده، جامعه‌گریز و فرصت‌سوز تبدیل می‌شوند. این عوامل باعث می‌شوند فرد خود را درگیر جامعه کند، آن هم به این معنی که معضلات کوچک را بزرگ بشمارد و برای آنها راه‌حل سخت را انتخاب کند، نزاع یکی از این راه‌حل‌هاست که نه تنها باعث می‌شود جامعه دچار درگیری ذهنی و بدنی شود، بلکه شکل اجتماع هم تغییر کند و صورت خشن به خود بگیرد.

این کارشناس ارشد جامعه‌شناسی مشکلات روزمره را از اصلی‌ترین عوامل نزاع‌های خیابانی می‌داند و می‌گوید: باید بپذیریم جامعه ما درگیر یکسری مشکلات، تضادها و تناقضات روان‌فرسا است. در بحث اقتصادی چه بپذیریم و چه نپذیریم جامعه مشکل دارد، حتی اگر از لحاظ خرید هم مشکلی احساس نکند ولی واقعیت این است که فشار روانی ناشی از تکرار رسانه‌ای و محاوره‌ای جامعه را دچار تشنج می‌کند، حال این‌که باید بپذیریم بخشی از شهروندان به لحاظ تامین زندگی خود دچار مشکل هستند.

و این فشار عصبی زیادی را بر آنان وارد می‌سازد، اما این را هم باید قبول کنیم همه آن چیزی که در خیابان‌ها رخ می‌دهد و به عنوان آمار بیرون می‌آید ناشی از مشکلات اقتصادی نیست، بلکه بحث عصبی شدن جامعه، یک فرآیند است نه یک پدیده، این فرآیند هم در طول سال‌ها ایجاد شده و تا ریشه یابی نشود نمی‌توان برای آن نسخه پیچید.

عصبانیت اجتماعی گواه تضادهاست

صولت نعمتی تصریح می‌کند: ما در جامعه دچار یکسری تضادها هستیم، افکار عمومی را به سمتی سوق می‌دهیم که آنها با علم به این‌که بری از اشتباه هستند ولی خود را گناهکار تصور می‌کنند. نگاه پلیسی جامعه را به سمت ترس می‌برد و جامعه ترسو نخستین واکنشی که نشان می‌دهد، عصبانیت است. اولویت‌بندی ما هم مشکل دارد. در حالی که می‌توانیم اهم فی‌الاهم کنیم، معضلات بزرگ‌تر را با دید پلیسی حل کنیم ولی متأسفانه با معضلات کوچک که نیاز به فرهنگسازی دارند تا کار پلیسی، برخورد قهری و ضربتی می‌کنیم.

بالطبع این برخورد جامعه را از یک جامعه سالم به یک جامعه خطاکار تبدیل می‌کند و جامعه خطا کار خود را مجاز به انجام خطا می‌داند. نخستین واکنش هم دعواست، دعوایی که همه روزه در خیابان‌ها می‌بینیم ناشی از این احساس است. او با بیان این‌که برخی مسئولان خود را طلبکار مردم می‌دانند، می‌افزاید: نگاه‌های طلبکارانه در برخی سطوح مدیریتی، قانونگذاری و رسیدگی به قانون منجر به فاصله می‌شود، افکار عمومی حساس هستند، آنها اگر احساس کنند بخش بالایی هرم خود را برتر و بالاتر می‌داند، خود را از آن جدا می‌کنند.

ما باید بدانیم با نگاه دستوری، آمرانه و خود برتر بینی نمی‌توانیم جامعه را به آرامش برسانیم، این‌که ما مصلحت شما را بهتر می‌دانیم ذهن جامعه را کوچک می‌کند. باید توجه داشت که فراقنی در نزاع‌های خیابانی هم بحث دیگری است که این روزها در رسانه‌های مختلف دیده می‌شود. پذیرش معضل به عنوان زیر سوال رفتن عملکرد نیست، بلکه نشانه‌ای از تلاش برای یافتن راه‌حل مناسب است، ولی چنین پذیرشی دیده نمی‌شود و استدلال‌های احساسی برخی مسئولان به بحرانی شدن این معضل دامن می‌زند.

به گفته صولت نعمتی در این‌که جامعه دچار برخی کمبودهاست هیچ شبهه‌ای وجود ندارد، ولی شانه خالی کردن از زیر بار مسئولیت و اعمال مقررات شدید به جای حل معضلات نه تنها کمکی به رفع تنگناها و کمبودها نمی‌کند بلکه افکار عمومی را دچار بی‌انگیزگی می‌کند. در این میان مشکلات روزمره هم مزید بر علت می‌شود تا فرد عصبی شود و عکس العمل تند نشان دهد.

بیشترین نزاع‌های خیابانی بین جوانان 16 تا 35 ساله است

امان‌الله قرایی‌مقدم، یک جامعه‌شناس و استاد دانشگاه درباره دلایل وانگیزهای مختلف حوادث خشونت‌بار در جامعه می‌گوید: اکثر نزاع‌ها برسر اموال، دارایی یا اغلب در رانندگی هنگام پیچیدن یا سبقت رانندگان از یکدیگر و حتی موقع دریافت کرایه از مسافران به

وجود می‌آید. مورد دیگر که از دلایل مهم نزاع‌های خیابانی است متلک پرانی و مزاحمت‌هایی است که به عینه در معابر توسط جوانان صورت می‌گیرد و باعث درگیری بین افراد می‌شود که هرکدام از دو طرف وارد جنگ و ضرب و جرح می‌شوند تا از خود دفاع کنند.

بنابراین می‌توان گفت این نوع نزاع‌ها بیش‌تر توسط جوانان بین سنین 16 تا 35 ساله که دارای هیجانات دوره جوانی و احساسات درونی هستند دیده می‌شود و افراد مسن کمتر وارد این نزاع‌ها می‌شوند. او با اشاره به این‌که فیلم‌های اکشن و خشن و مشکلات خانوادگی تحریک‌کننده جوانان برای نزاع‌های خیابانی هستند اظهار داشت: نمونه دیگر، نزاع‌های بین طوایف و گروه‌ها است که بیش‌تر در جوامع سنتی و وفادار به طوایف رخ می‌دهد که در قانون مجازات اسلامی در ماده 615 به عنوان شرکت در منازعه ذکر شده است و صراحتاً مجازات آن بیان شده که بسیاری از این نمونه نزاع‌ها منجر به پیشامدهای وحشتناک و در مواقعی قتل و کشتار بسیاری می‌شود.

به گفته این جامعه شناس مورد دیگر زمانی است که فرد در میان دوستان خود یا جمعیت قابل ملاحظه‌ای است در این حالت است که فرد برای نشان دادن برتری خود به دیگران به نزاع می‌پردازد. این استاد دانشگاه با بیان این‌که به نظرمی رسد بهترین راهکار که تا حد زیادی از بروز نزاع‌های منجر به حوادث تاسف بار جلوگیری می‌کند خونسردی، کنترل اعصاب و منطقی اندیشیدن است تصریح می‌کند: کم کردن فاصله‌های طبقاتی و افزایش بنیه اقتصادی مردم نیز می‌تواند از بروز بسیاری از نزاع‌های خیابانی بکاهد.

خشونت و امنیت دو روی يك سکه نیستند

مجید ابهری، استاد دانشگاه و آسیب‌شناس می‌گوید: خشونت در جامعه ارتباطی با امنیت آن جامعه ندارد. آن هم به این دلیل که اگر قرار باشد امنیت مانع از خشونت شود در کشور نروژ که بهشت امن روی زمین است نباید خشونتی دیده شود، اما شاهد خشونتی در این کشور بودیم که در يك مرحله برابر چند سال انسان کشته شد. از نگاه رفتارشناسی اجتماعی خشونت عاملی است که ارتباط مستقیم با رفتار انسان‌های آن جامعه داشته و بالا رفتن آن دارای ویژگی‌هایی است که همراه با کاهش نشاط اجتماعی، فاصله گرفتن از ارزش‌های اخلاقی و دینی، سستی تربیت خانوادگی، فقدان آموزش و مهارت‌های زندگی و اجتماعی در مدارس و دانشگاه‌ها در کنار بالا رفتن سطح خشونت در اجتماع است.

رسانه‌ها در بروز خشونت‌های خیابانی تاثیر ویژه‌ای دارند

گسترش مصرف موادمخدر روانگردان یکی از عوامل تحریک‌کننده برای دست زدن به جنایت است. فیلم‌های سراسر کشتار در ماهواره و سریال‌های خارجی هم تاثیرگذارند. تلویزیون خودمان هم جایگاه قابل توجهی در افزایش خشونت در جامعه دارد و به جای برنامه‌ریزی در زمینه پیشگیری با تولید چند برنامه نظیر شوک، مکث و چهل دقیقه بدون قضاوت به بیان آشکار آسیب‌ها در جامعه می‌پردازد و در مقابل قوه قضاییه و نیروی انتظامی را مورد انتقاد قرار می‌دهد. ابهری می‌گوید: بنابراین اعدام یا مجازات علنی قاتلان ممکن است در کوتاه‌مدت به عنوان اهرم ترس باعث کاهش جنایات شود اما در دراز مدت نمی‌تواند موثر باشد.

همین که در دستگیری، محاکمه و مجازات مرتکبان جنایات قوه قضاییه این‌گونه با سرعت عمل کرده است باید از مسئولان آن تشکر کرد اما مجازات علنی آن هم سبب آزارهای رفتاری در کودکان و نوجوانان می‌شود که این خود نیاز به بررسی رفتارشناسان و روانشناسان دارد. او می‌افزاید: فاصله گرفتن بعضی از خانواده‌ها از ایمان و باورهای دینی عامل اصلی پیرنگ شدن خشونت در جامعه است.

پیشگیری‌های فرهنگی و اجتماعی باید از مطرح شدن درهمایش‌ها و جلسات به جایگاه واقعی خود بازگردد. 22 نهاد و سازمان پیشگیری‌کننده باید برای تحقق اهداف معاونت پیشگیری در قوه قضاییه همه امکانات سخت افزاری و نرم افزاری خود را در اختیار این معاونت قرار دهند تا از تعدد مراکز سیاست‌گذاری و تنوع برنامه‌ریزی‌ها کاسته شود.